

به مناسبت چهلمین سالگرد انقلاب بهمن ۵۷ جنبش کارگری - سندیکایی، تجربه مبارزات چهل سال اخیر و وظایف پیش روی

بهمن امسال چهلمین سالگرد انقلاب است که طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما در به پیروزی رساندن این رخداد مهم تاریخ معاصر نقش اساسی و تعیین کننده ایفا کردند. در چهل سال گذشته جنبش کارگری - سندیکایی فراز و فرودهای بسیاری را پشت سر نهاد و تجربه های تلخ و شیرین گوناگونی به اندوخته مبارزاتی خود افزود. بررسی و تحلیل نقش کارگران و زحمتکشان در انقلاب بهمن صرفاً بازبینی یک تاریخچه نیست، بلکه واکاوی و موشکافی تجربه های پرارزش تاریخی برای پیشبرد امر مبارزه در اوضاع حساس کنونی به هدف تامین منافع صنفی - سیاسی زحمتکشان و درهم شکستن استبداد مذهبی و طرد رژیم ولایت فقیه محسوب میشود.

با وجود آنکه طبقه کارگر ایران ستون فقرات مبارزه برای سرنگونی رژیم وابسته و ضد مردمی پهلوی بود، اما در فردای پس از پیروزی انقلاب نیروهای مذهبی و در راس آنها روحانیون به رهبری خمینی با خیانت به آرمانهای انقلاب، منافع و حقوق کارگران و زحمتکشان را نادیده گرفته و پایمال کردند. غیبت و عدم حضور طبقه کارگر و زحمتکشان و نمایندگان سیاسی آنها در حاکمیت برآمده از انقلاب، چشم اسفندیار و نقطه ضعف اساسی بود که منجر به پیامدهای زیانبار و فاجعه آمیز در روند رویدادهای پس از پیروزی انقلاب شد. برخلاف ادعای بی پای بلندگوهای تبلیغاتی رژیم ولایت فقیه و تاریخ نگاری های دروغین و سطحی که در چهل سالگی انقلاب در داخل و خارج کشور رواج دارد، طبق کارگر ایران با وجود آنکه فاقد شکل صنفی - سندیکایی نیرومند و پیوند با حزب سیاسی خود یعنی حزب توده ایران بود و از این رو نتوانست رهبری جنبش را به دست گرفته و در حاکمیت برآمده از آن مشارکت داشته باشد، اما از همان سالهای تدارک انقلاب، سالهای ۵۵ و ۵۶ با طرح خواستهای مشخص سیاسی و صنفی خود وارد میدان مبارزه حاد طبقاتی در جامعه آن روز ایران شد. مطالبات

صنفي و رفاهي هم‌چون، لغو مادۀ ۳۳ قانون كار سلطنتي، فعاليتِ آزادِ سنديكاهاي كارگري به‌مثابه سازمان پايه طبقاتي، افزايش دستمزدها، رسميت‌يافتنِ حق اعتصاب، مرخصي با حقوق و تعطيلي رسمي اول ماه مه، تدوين قانونِ مترقي كار و بيمه‌هاي اجتماعي و ديگر مقرراتِ كارگري با حضورِ نمايندگان واقعي كارگران، نظارتِ كارگري بر اجرائي قوانين كار و بيمه و مبارزه براي محو سرمايه‌داري و وابسته به امپرياليسم در اقتصاد ملي، خواست ۴۰ ساعت كار هفتگي (مطابق وضعيتِ آن روز جامعه)، تامين كار براي بيكاران، تامين مسكن مناسب براي زحمتكشان و همچنين آموزش و بهداشتِ رايگان و نظاير آن از زمره خواست‌هاي زحمتكشانِ كشور بود. اين خواسته‌ها از سوي حاكميت هرگز مورد توجه جدي و عملي قرارنگرفت. در سال‌هاي اول انقلاب تحت فشارِ توده‌هاي ميليوني و نيروهاي ترقي‌خواه كشور از جمله حزبِ ما، رشته اقدام‌هايي در شوراي انقلاب صورت پذيرفته و انجام گرفت. با همه اينها خميني و پيروانِ او خيلي زود با تحكيمِ موقعيتِ خود در حاكميت و سرکوبِ نيروهاي ملي، انقلابي، مترقي و آزاديخواه به‌هيچ يك از مطالباتِ زحمتكشان پاسخ ندادند و در همان سال ۶۰ با ارايه قانون كار جديد موسوم به قانون كار توکلي ماهيت خود را آشکار ساختند. مبارزه^{*} جنبش سنديكاييِ كشور طی ۲ سال اول پس از پيروزي انقلاب منجر به تشكيل انجمنِ همبستگي سنديكاهي و شوراهاي كارگري تهران و حومه شد که در شهرهاي تبريز و آبادان نيز فعاليتِ ايجاد تشکل‌هاي نظير آن فراهم شده بود.

اين فعاليتها تحتِ هدايتِ حزب طبقه كارگر ايران حزب توده ايران از صفحاتِ درخشانِ پيكار زحمتكشانِ ميهن ما و جنبش سنديكايي موجود آن زمان عليه سياست‌هاي ضدكارگري ارتجاع و تقويت و تحكيمِ جاگه جنبش سنديكايي در تحولات كشور به‌شمار مي‌آيد. فراموش نکنيم از همان روزهاي نخستِ پس از ۲۲ بهمن ارتجاع و نيروهاي مذهبيِ هوادارِ خميني با طاغوتي خواندنِ سندیکا و طرح شعارهاي انحرافي و نيز تقسيم جنبش سنديكاييِ كارگران به مذهبي و غيرمذهبي و دامن‌زدن به تقابلِ ميانه‌ها در شورا و سندیکا، حقوق سنديكايي و قوانين بنيادينِ كار را نقض و پايمال ساختند. تسخيرِ خانه^{*} كارگر توسط عواملِ ارتجاع و چماقدارانِ آن زمان يعني علي ربيعي، عليرضا محجوب، دانشمند، حسين كمالي و افرادي از اين دست که سپس همگي آنها به مسئوليتهاي سياسي و امنيتي رسيدند و تبديلِ خانه^{*} كارگر به يك تشکلِ زردِ حكومتي که رو در روي كارگران قرارگرفت از توطئه‌هاي ابتدای انقلاب بود. در سال‌هاي ۶۰ - ۶۱ با آغاز سرکوب‌هاي خونين و تثبيتِ حكومتِ ارتجاع به‌رهبري خميني، اعمال فشار به سنديكاهي

مستقل کارگری آغاز شد. در سال‌های ۶۱ و ۶۲ صدها سندیکالیست مبارز و کارگر آگاه صرفاً به دلیل فعالیت صنفی مورد پیگرد و سرکوب قرار گرفته، به بند کشیده شده، مورد شکنجه و سپس شماری نیز اعدام شدند. سندیکاها و تشکلهای مستقل کارگری منحل و غیرقانونی اعلام شد. با یورش به حزب توده ایران و سرکوب خونین آن اعمال فشار به جنبش سندیکایی شدت بی‌سابقه‌ای یافت. مطابق برنامه ارتجاع تشکلهایی مانند شوراهای اسلامی کار با تصویب مجلس وقت و تایید شورای نگهبان با خشونت تمام به زحمتکشان تحمیل گردید.

حزب ما بلافاصله پس از پیروزی انقلاب و امکان حضور علنی در صحنه سیاسی کشور، تلاش در راه وحدت صفوف طبقه کارگر و یاری‌رساندن به برپایی سازمان‌های مستقل سندیکایی را در اولویت برنامه‌های خود قرارداد. حزب ما با صراحت تاکید می‌کرد، وجود یک سازمان سندیکایی نیرومند یک ضرورت غیرقابل انکار است. نکته قابل توجه در آن سال‌های خرابکاری آشکار و پنهان جمهوری اسلامی در زمینه تامین وحدت جنبش کارگری - سندیکایی بود. همانگونه که در سطور پیشین اشاره کردیم، رژیم با بهره‌گیری از امکانات تبلیغاتی و مالی گسترده سازمان‌های سندیکایی را طاغوتی معرفی می‌کرد و تشکیل شوراهای آن‌هم نه شوراهای واقعی بلکه شوراهایی با صفتی مذهبی و غیرمذهبی را در برابر سازمان سندیکایی علم می‌کرد. مسئله شوراهای سندیکا و تقابل میان آنها با هدف معین طرح می‌شد. در برابر این ترفند، موضع حزب ما اصولی، صریح و مدبرانه بود. حزب تاکید می‌کرد برقراری شوراهای در موسسات تولیدی و خدماتی از دستاوردهای انقلاب است، این دستاوردهای مهم نیز مانند دیگر دستاوردها در جهت منافع زحمتکشان باید حفظ و تثبیت شود. البته با شرکت همه کارگران و هیچ مانعی نیز نباید حضور توده‌های کارگر را صرف نظر از مذهب و اعتقاداتشان کمرنگ سازد. اگر شوراهای سازمان سندیکایی متکی باشد می‌تواند در برابر اجحافات سودجویانه و غیرقانونی کلان‌سرمایه‌داران و کارفرمایان سد ایجاد کند. شوراهای در عین حال می‌توانند به اعتلا و آگاهی سیاسی و اجتماعی زحمتکشان کمک نمایند.

با این وجود شورای کارگاه و کارخانه هرگز به هیچ وجه نمی‌تواند در امر دفاع از حقوق صنفی و رفاهی، جایگزین سازمان سندیکایی قلمداد گردد. حزب ما در سال‌های ابتدای انقلاب در راستای تقویت همه‌جانبه حقوق زحمتکشان، کارگران آگاه و پیشرو را دعوت می‌کرد، نمایندگان که از طرف کارگران برای عضویت در شوراهای انتخاب می‌شوند باید در راه تشکلهای سندیکایی گام بردارند. رهنمودهای حزب

سبب تقویت سازمان‌های سندیکایی بود. فعالیت حزب و روشنگری آن در ارتباط با حقوق سندیکایی و افشای سیاست ارتجاع علیه زحمتکشان این امکان را فراهم می‌ساخت که زحمتکشان بتوانند به فوریت ساختارهای اتحادیه‌ای و سندیکایی خود را در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها ایجادکنند. در همین‌جا بجاست از برخی از این مبارزان توده‌ای یاد کنیم. رفیق شهید حسن جلالی، رفقای شهید هدایت معلم، حسن حسین‌پور تبریزی، عزت‌الله زارع، حسین جودت و مهدی کیهان و نظایر آنان با احترام نام برد. این رفقا نقش بزرگی در تامین وحدت جنبش سندیکایی در آن سالها برعهده داشتند و نام ارجمند آنان در قلب و روح زحمتکشان ایران همواره زنده خواهد بود. در این دوره نشریه اتحاد انتشار یافت و نقش ارزنده‌ای در ارتقاء سطح آگاهی و تربیت فعالان سیاسی و سندیکایی ایفا نمود. نکته بسیار پراهمیت که باید به آن اشاره کرد این واقعیت است که حزب توده ایران در سالهای نخست پس از پیروزی انقلاب به تشکیل سریع سازمان‌های سندیکایی تاکید داشت. این درک حزب ما ناشی از این واقعیت بود که یکی از جنبه‌های مهم و حیاتی شکل‌گیری طبقه کارگر، علاوه بر تامین مطالبات رفاهی، نیاز مبرم طبقه کارگر به تامین خواسته‌های دمکراتیک عام یعنی تامین آزادی فعالیت انجمن‌ها، سندیکاها و احزاب و دیگر آزادی‌های دمکراتیک فردی و اجتماعی نظیر آزادی بیان، اندیشه، قلم، مطبوعات و اجتماعات بود. حزب ما بر این اعتقاد راسخ بود که فقط نیروی متشکل و سازمان‌یافته توده‌های میلیونی و در راس آنها کارگران ضامن تحقق تحولات بنیادین و پایدار هستند. جمهوری اسلامی در برابر شکل‌گیری سازمان‌های مستقل سندیکایی به مقاومت پرداخت و از همان ابتدا در مخالفت با سازمان‌یابی صنفی و سیاسی زحمتکشان اقدام نمود. طی دوران مورد اشاره حزب توده ایران با حمایت همه‌جانبه از جنبش سندیکایی ضمن تاکید بر حفظ ماهیت مستقل آن مبارزه‌ای قهرمانانه را برضد قانون کار توکلی سازمان داد. در این مبارزه به رغم شرایط بسیار دشوار و خرابکاری‌های تشکلهای زرد حکومتی و ارتجاع حاکم طبقه کارگر تحت هدایت حزب ما با آگاهی و وحدت خود درس آموزنده و فراموش ناشدنی به‌رژیم ولایت‌فقیه داد. تنها سرکوب خونین و اختناق سیاه توانست روند رشد و قوام جنبش سندیکایی پس از انقلاب را سلب کند. مبارزه زحمتکشان به‌شکل‌های گوناگون طی دهه خونین شصت ادامه یافت. در دهه 70 و 80 خورشیدی حزب ما با وجود کنترل پلیسی و عدم امکان حضور در کشور همه‌گونه امکانات خود را در راه تامین منافع جنبش سندیکایی و تقویت آن بکار برد. کارگران پیشرو طی این سالها با استفاده از همه روزه‌ها دست به مبارزه‌ای آگاهانه در جهت احیای جنبش سندیکایی

زدند. تشکیل هیات موسس سندیکاهای کارگری و نیز تشکیل چند تشکل مستقل طی این دوران نشانه آگاهی تاریخی زحمتکشان و ادامه مبارزه بود. این مسیر تا امروز ادامه یافته و شاهد گسترش اعتصابها و حرکت جنبش کارگری - سندیکایی از حالت تدافعی به سمت تهاجمی هستیم که توطئه‌های رژیم برای مقابله با این روند به ویژه در ماه‌های اخیر با نمایشهای مضمئزکننده تلویزیونی، حرکات نفوذی و سرکوب و پیگرد فعالان سندیکایی شدت یافته است.

* تجربی دیروز، مبارز امروز

طی چهل سال گذشته جنبش کارگری - سندیکایی با وجود همه ضربات ارتجاع با تکیه بر سنت‌های انقلابی و طبقاتی خود، تجربه‌های ارزشمندی اندوخته و مبارزه را تداوم بخشیده است. در این زمینه مبارزه درخشان کارگران هفت‌تپه، پولاد اهواز و فرهنگیان کشور در ماه‌های گذشته نشانه‌های امیدوار کننده‌ای از حرکت به سمت خروج از حالت تدافعی و پیوند بیشتر با مبارزات همگانی ضد دیکتاتوری را بروز می‌دهد. آنچه طی این چهار دهه بر جنبش کارگری و سندیکایی رفته است، حاوی درس‌های گرانبهائی است که در عرصه مبارزه دشوار امروز می‌باید با درایت به کار گرفته شود. طی همه این سالها اجرای سیاست تعدیل ساختاری نابودی امنیت شغلی کارگران را رقم زد و به موازات آن سرکوب هدفمند فضای محیط‌های کارگری در نوردید. به بیان دقیق‌تر اعمال سرکوب و اجرای سیاست تعدیل ساختاری برنامه رژیم ولایت فقیه بوده و هست. در ماه‌های اخیر به موازات گسترش اعتصابها رژیم دستبرد دیگری به حقوق زحمتکشان را تدارک دیده است. اصلاح قانون کار به سود کلان سرمایه‌داران، موضوع مزد شناور یا مزد توافقی، اصلاح ماده ۴۱ قانون کار به خواست بنیادهای انگلی و موسسات خیریه وابسته به حکومت و ارگان‌های امنیتی و نظامی، خصوصی‌سازی بیمه و تضعیف سازمان تامین اجتماعی، کوشش رژیم برای حذف بیمه خدمات درمانی تامین اجتماعی و طرح خصوصی‌سازی آموزش و بهداشت و موضوع قراردادهای فرهنگیان از جمله مواردی هستند که در صدر برنامه‌های دولت و مجلس و مجموعه حاکمیت در چهارچوب اقتصادی مقاومتی ولی فقیه قرار دارند. چنین برنامه‌هایی اجرای‌شان تاکنون پیامدهای ناگوار برای کارگران و همه زحمتکشان فکری و یدی داشته است. مطابق آمار منتشره با توجه به سقوط ارزش پول ملی اینک بیش از ۷۰ درصد کارگران کشور زیر خط فقر به سر می‌برند. نابودی امنیت شغلی و سقوط سطح زندگی ماحصل اجرای برنامه‌های ضد مردمی اقتصادی و اجتماعی رژیم ولایت فقیه است.

در این وضعیت و با توجه به تحولات صحنه سیاسی و اثرهای تحریمِ مداخله‌جویانه^۶ امپریالیسم، وظیفه مقدم و مبرم طبقه کارگر و زحمتکشان تشدید مبارزه در تمامی سطوح است. این را نیز باید بی‌افزاییم همچنان اولویت اول جنبش سندیکایی احیای حقوق سندیکایی و احیا و ایجاد سندیکاهای واقعی به‌مثابه سازمان‌پای طبقاتی کارگران است. باید با دقت و هوشیاری سیاست‌های هدفمند رژیم برای مهار جنبش اعتراضی و وادار ساختن آن به اقدام‌های نابهنگام یا دیر هنگام و نیز برخی چهره‌سازی‌ها و بزرگ‌نمایی‌های کاذب که از سوی ارگان‌های امنیتی به‌هدف ضربه وارد آوردن به جنبش کارگری طراحی شده‌است را افشا و ناکام ساخت. جنبش سندیکایی زحمتکشان باید در همه مراحل مبارزه استقلال عمل طبقاتی خود را حفظ و در جهت پیوند بیشتر با جنبش همگانی ضد استبدادی حرکت و اقدام نماید. در این مسیر تجهیز به شعارهای صحیح و مبتنی بر خواست توده‌های وسیع کارگران و منطبق با واقعیت‌های صحنه سیاسی و ظرفیت جنبش از اهمیت جدی و انکارناپذیر برخوردار است.

تشکل‌های زرد حکومتی نمایند^۷ حقوق و منافع صنفی و رفاهی زحمتکشان و به‌طریق اولی سنگر سندیکایی کارگران نبوده نمی‌توانند باشند. جنبش سندیکایی موجود و سندیکاهای واقعی مستقل و فعال باید در راستای ارتباط هرچه گسترده‌تر و ژرف‌تر با بدنه^۸ کارگری یعنی توده‌های کارگر در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها بکوشند و از این‌راه نیروی مادی سازمان‌یافته‌ای را برای تامین منافع صنفی و سیاسی زحمتکشان بسیج نمایند. قدرت جنبش سندیکایی در اتحاد و وحدت صفوف آن است. پیش از طرح و ارائه هر راه‌کاری و به‌عنوان وظیفه اصلی باید با توده‌های کارگر ارتباط داشت و در میان آنان فعالیت نمود. پیشنهادهایی مانند "هسته‌های اعتصاب"، "کمیته‌های اعتصاب"، "ایجاد صندوق اعتصاب" و نظایر این نوع توصیه‌ها و راه‌کارها فقط آن زمان می‌تواند جدی و موثر تلقی شود که ارتباط با توده‌های کارگر برقرار و متناسب با ظرفیت و روحیه مبارزاتی آنان طرح و عملی گردد. در غیر این‌صورت ما صرفاً با ارائه راه‌کارهای غیرعملی روبرو خواهیم بود که این به‌سود تقویت و تحکیم جنبش سندیکایی نبوده و نیست.

حزب ما برپای تجربه چهار دهه اخیر همچنان بر این واقعیت تاکید می‌کند که اتحاد عمل فراگیر رمز موفقیت است. وجود یک سازمان سندیکایی نیرومند، مردمی و متشکل که درهایش به‌روی همه زحمتکشان و مزدبگیران باز باشد، در شرایط حساس کنونی یک ضرورت غیرقابل انکار است. حضور سازمان‌یافته توده‌ها و در راس آنها کارگران و

زحمتکشان یگانه ضامنِ کامیابی در مبارزه علیه استبداد مذهبی و
توطئه‌های امپریالیسم بوده و هست.

کارگر متحد همه چیز - کارگر متفرق هیچ چیز

نام □ مردم، شماره □ ۱۰۷۰، ۱۵ بهمن ماه ۱۳۹۷